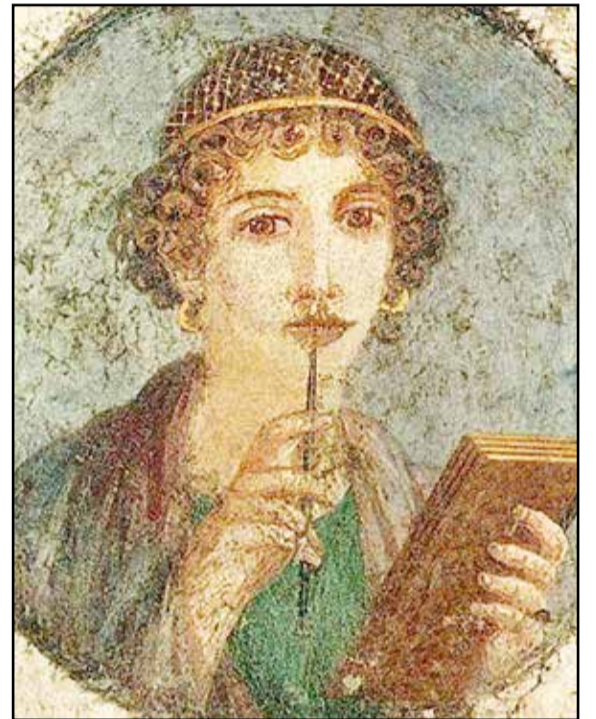


در باب حذف زنان از ادبیات

«در» این حصار بشکن



مهسا علومی

نقش و جایگاه زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری همیشه از دو حیث قابل بررسی است. نخست آنکه چرا زنان حضور قابل توجهی در شکل‌گیری نهادها نداشته‌اند؟ دوم آنکه اصلاً ارزش و قدرت تا چه حد جنسیت‌زده و یا بهتر است بگوییم مردسالارانه تعریف شده است؟ کنار هم قرار گرفتن دو واژه «زن و ادبیات» همیشه برایم جذاب و در عین حال استرس‌آورین بوده است. یک استرس برآمده از هیجان که سرانجامش رانمی‌دانی. تحلیل پیش‌رو این مسئله را این‌گونه استنباط می‌کنم:

پاسخ سؤال دوم مقدم بر اولی است؛ در قدرت و اعتبار بخشی ادبیات نوشتن شکی نیست. اینکه بتوانی ایگوی انباشته خودت را در قالب کلمات با دیگران شریک شوی، یا از دیگری برای دیگران «روایت» خلق کنی، تحسین برانگیز است؛ چون ذات خلق کردن تحسین برانگیز است. اما اینجا مسئله‌ای مطرح است و آن محتوای اثر خلق شده و ارزشگذاری روی آن است. به دیدگاه من از تولد ادبیات تاقرون متمادی، قدرت توسط مردان تعریف شده است. منشأ آن تنها می‌تواند یک چیز باشد: دنیای بیرونی انسان و اولویتی که نسبت به جهان درون انسان در قرون گذشته داشته است.

فیزیک قوی، هیبت، گستردگی قلمرو (حتی اگر در پی هیچ باشد)، خوراک و رفاه بیشتر عناصر بنیادین قدرت را تشکیل داده‌اند. اینجا است

چیز جالبی در این صحنه نیست. میل به عصیان و ایجاد موقعیت تنش‌زاد وجود مردان بیشتر بوده است. ویرجینیا وولف در کتاب «تاقی از آن خود» به خوبی به این مسأله اشاره می‌کند و می‌گوید «ارزش‌های داستان آیه مثابه نخستین فرم ادبی آ برآمده از ارزش‌های زندگی واقعیت‌ها اما آشکار است ارزش‌های زنان اغلب با ارزش‌هایی که به دست جنسیت دیگر وضع شده، متفاوت است. با این حال این ارزش‌های مردانه است که غالب می‌شود. مثال پیش‌پاافتاده‌اش: فوتبال و ورزش مهم‌اند و مدبرستی و خرید لباس بی‌ارزش. منتقد می‌پندارد فلان کتاب مهم است چون درباره جنگ است و بهمان کتاب بی‌اهمیت است؛ زیرا به احساسات زنان در اتاق نشیمن می‌پردازد...»^۱

حالا تصور می‌کنیم در نقطه‌ای از تاریخیم که حکومت‌ها تشکیل و حاکمان تعیین شده‌اند. با این شرایط طبیعتاً صاحب‌منصبان همه مردند و از این برتری لذت می‌برند. زنان تصمیم می‌گیرند به تماشای دقیق‌تر جهان بپردازند. اما این موضوع مرتبط نیست اما این چند کلمه عجیب اینجا صدق می‌کند می‌گوید: «تاتانایلی ای کش عظمت در نگاه تو باشد نه در آنچه بدان می‌نگری...»^۲ آری، وجود زنان نویسنده هم دوره با ویرجیل یا هم‌بک یقین اثبات نشده است - گرچه شواهدی موجود است - چون هیچ بعید نیست در فضای خفقان آور پدید آمده برای زنان در آن دوران، آثار بسیاری سوزانده یا کج می‌شود. آنان از حق تحصیل، مالکیت، به تنهایی سفر کردن و تجربه اندوختن، حق طلاق و یا حتی ازدواج تماماً با میل خود محرومند و علاوه بر این مشکلات مادی، با مشکلات معنوی زیادی هم دست‌وپنجه نرم می‌کنند، مثل بی‌اعتنایی جهان اطراف، خصوصیت و بی‌توجهی... زن تبدیل به ابزار شده است که مرد را به خواسته‌های جسمانی و روحیش

و با وجود این حقیقت که اندیشه یک جانشینی ابتدا توسط زن مطرح می‌شود، این مرد است که پس از مدتی افسار شریک را به دست می‌گیرد و به دلیل تفاوت‌های فیزیولوژیکی مردان با زنان - که به اصطلاح «زور بازو» می‌گویند - مرد صاحب‌مقام بالاتری از زن می‌شود؛ در حالی که زنان فرزندان را به دنیای می‌آوردند که خود قدرت فیزیکی خارق‌العاده‌ای را طلب می‌کنند و در وجود زن نهادینه شده است. پس شاید بشود این‌گونه نتیجه گرفت که مردان به آن هیبت‌ظاهری خود افتخار می‌کردند و به بسط جلوه‌های مختلف آن می‌پرداختند و زنان چنین نمی‌کردند. این نکته به هیچ عنوان قابل انکار نیست که زنان همواره به عنوان آینه بزرگ‌نمای مردان نقش قابل توجهی در این زمینه ایفا کرده‌اند. اگر این یک قسه باشد، حالا در نقطه‌ای قرار می‌گیریم که مردان ارزش‌ها را پایه‌گذاری می‌کنند، در پی فتوحات می‌روند، طلب جنگ می‌کنند و حق خود می‌داند مادیات بیشتری به دست آورد. موضوعی که به خرد و کشف لایه‌های مختلف روح انسان، چندان ارتباطی ندارد. بدین ترتیب ارزش‌های جوامع ارزش‌های مردانه است و قدرت، اعمال سلحشوری.

گویا مردان همیشه در پی ایجاد کشمکش بوده‌اند و این کشمکش در یک بعد از ظهور دل‌انگیز وجود ندارد که خورشید مایل می‌تابد و پرنده‌گان آواز می‌خوانند و نان‌نوشیدنی زیر نور آفتاب برق می‌زنند. (این یک تصویر آرام از زندگی است که نمی‌توان به دلیل فقدان تنش، آن را منفعل خواند) گویی هیچ

که نصیب نویسندگان احتمالی زن می‌شد. نوعی اغراق در پراهمیت نشان دادن دسته اول و نوعی افراطی‌گری در بی‌اهمیت جلوه دادن دسته دوم نیز وجود داشته است. گویا یک شاعر رومی به نام استیل پیکیر (Estill Pickier) وجود داشته که اکنون تنها شعر او باقی مانده است. او عمومی داشت که اجازه آزادی بیان و نوشتن را به وی نمی‌داد؛ ولی به هر جهت، این نوشته‌هایش به عنوان نوعی جنبش و انقلاب در حقوق زنان قابل بررسی است. در تأیید این موضوع بد نیست باز از قسمتی از کتاب «تاقی از آن خود» یاد کنم که در آن ویرجینیا وولف تصویری از خواهر خیالی شکسپیر و موقعیتی را ترسیم می‌کند که احتمالاً با آن مواجه می‌شود بدین ترتیب به جایگاه زنان در ادبیات آن دوره می‌پردازد:

«... قطعاً نوعی نبوغ در میان زنان دوره شکسپیر وجود داشته همان طور که به حتم در میان طبقات کارگر هم وجود داشته است. گهگاه «ابرت برنز» یا «امیلی برنته‌ای» می‌درخشید و وجود خود را به اثبات می‌رساند؛ اما مسلماً این نبوغ هرگز بر کاغذ نقش نبسته. با این حال وقتی می‌خوانیم که زن جادوگری را سر به نیست می‌کنند یا زنی جز زده شده است، یا زن خردمندی داروهای گیاهی می‌فروشد، یا حتی مرد بر جسته‌های مادی دارد، آن وقت است که فکر می‌کنیم می‌توانیم در زمان نویسی گمشده، یا شاعری سر کوب شده، یا «جین استینی» خاموش یا امیلی برنته‌ای را ببینیم که به دلیل عذاب وجدان و شکنجه‌ای که به خاطر استعدادش متحمل می‌شود، سر به بیابان گذاشته است. در واقع در این اندیشه تا به آنجا پیش می‌روم که فکر می‌کنم آنون (Anon) گمنام که آن همه شعر بدون امضا سروده است، به احتمال زیاد زن بوده...»

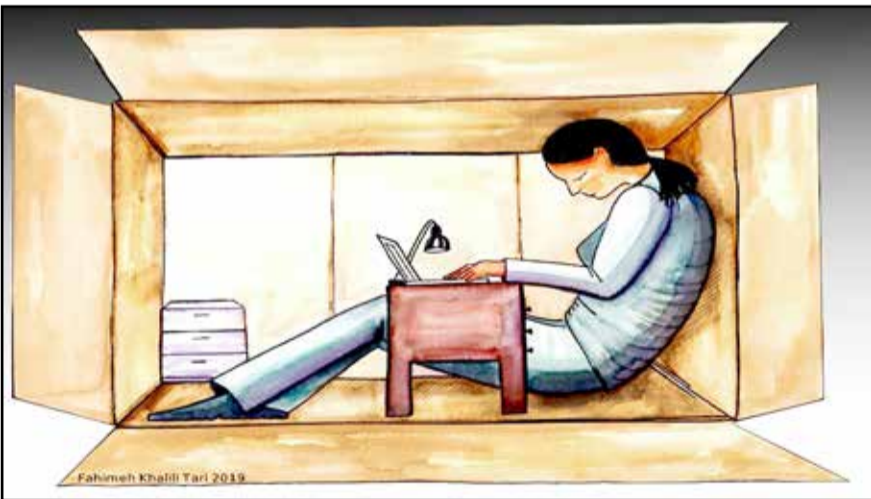
از این تفاسیر چنین برداشت می‌شود که مردان از آزادی بیان و عمل، دانش و آگاهی و به طور کلی به قدرت رسیدن زنان ترس و واهمه داشته‌اند. شاید واهمه از اینکه زنان نویسندگان و حکومت‌داران بهتری نسبت به آنها شوند و مقام و مرتبه اجتماعی خود را از دست بدهند. ناچارم به این جملات در خشان از همان کتاب

ویرجینیا وولف در کتاب «تاقی از آن خود» می‌گوید: «ارزش‌های داستان آیه مثابه نخستین فرم ادبی آ برآمده از ارزش‌های زندگی واقعیت‌ها؛ اما آشکار است ارزش‌های زنان اغلب با جنسیت دیگر وضع شده، متفاوت است. با این حال این ارزش‌های مردانه است که غالب می‌شود. مثال پیش‌پاافتاده‌اش: فوتبال و ورزش مهم‌اند و مدبرستی و خرید لباس بی‌ارزش»

قبلی هم اشاره کنم که «دکتر جانسون درباره زنان می‌گوید: مردان می‌دانند که زنان حرف‌های قدری برای آنها می‌گویند و بنابر این ضعیف‌ترین و نادان‌ترین آنها را انتخاب می‌کنند. اگر این طور فکر نمی‌کردند، هرگز نمی‌ترسیدند که زنان به اندازه آنان بدانند...»

در حالی که به نظر من، مردان خود را از افکار روشن‌نگر زیادی محروم کردند که اگر جلودیشان را نگرفته بودند، شاید اکنون در کنار ویرجیل و هومر و دانته، نام زنان نویسنده بسیاری هم در کتب تاریخ ادبیات کهن برده می‌شد که بی‌شک فرصتی بود برای بررسی و الگوبرداری از طرز تفکر زنان در قرون زایش ادبیات و همچنین سند تاریخی مهمی برای نویسندگان بعدی در طول تاریخ (به خصوص زنان) و چه بسا سرشار از ایده‌ها و راه‌حلی‌هایی که می‌توانست آینه‌دهنده پس از خودشان را جور دیگری رقم بزنند و شاید اکنون اوضاع خیلی بهتر بود؛ چرا که جهان انسانی زمانی می‌تواند بر فراز قله‌های انسانیت پرواز کند که دو بالش در قدرت یکسان باشند.

- پی‌نوشت‌ها:
۱- شعری از محمد رضا شفیعی کدکنی
۲- تاقی از آن خود - ویرجینیا وولف - ترجمه صفورا نوریخس - نشر نیلوفر
۳- مانده‌های زمینی - آندره ژید - ترجمه پرویز درویش و جلال‌احمد - نشر اساطیر



Fahimeh Khalil Tari 2019

تازه‌های نشر

قصه‌های پنهان شده در شتاب روزمرگی



کتاب «ها» داستان‌های مینیمال نوشته مصطفی خادمی از سوی نشر صدمتشر شد. به گزارش نشر «ها» به قلم مصطفی خادمی مجموعه‌ای از داستان‌های مینیمال است که در ۵۶ صفحه منتشر شده است. روایت‌های کوتاه تکان‌دهنده از آدم‌هایی بدون چهره و نام اما آشنا، قابل درک و ملموس. برگرزیده‌هایی از لحظات گاه نفس‌گیر و گاه جان‌بخش زندگی، از رخ‌ها و خوشی‌ها، جدایی‌ها و رسیدن‌ها. قصه‌هایی بدیع با کمترین واژگان اما به درازای یک زندگی، یک سر نوشت و یک لحظه به یادماندنی. دنیایی که نویسندهموفق به خلق آن شده زنجیرهای قصه‌های پنهان شده در شتاب روزمرگی است. پیش از این نیز کتاب «واگن مخصوص»؛ داستان‌های رضوی» به قلم این نویسنده از سوی نشر صدمتشر شده بود. کتاب‌رامی‌توانید در کتاب‌خوان فراکتال بخوانید.

ساکن مرداب در بازار کتاب



نمایشنامه «ساکن مرداب» به نویسندگی مه‌رسان سلگی از سوی انتشارات آذرفرورد بازار کتاب شد. به گزارش ایلنا، انتشارات آذرفرورد نمایشنامه «ساکن مرداب» را به نویسندگی مه‌رسان سلگی و با طرح جلدی از محمد زاقیطاسی به بازار نشر عرضه کرده است. این اثر به گوشه‌ای از اتفاقات جامعه پرداخته است؛ اتفاقاتی که در گذر زمان منجر به آسیب‌های اجتماعی می‌شود. وقایعی که هر کدام از ما هر روز آن را به شکلی از طریق رسانه‌ها یا می‌بینیم یا می‌شنویم اما اصلاً به آنها توجهی نمی‌کنیم و بعد از مدتی آن را به دست فراموشی می‌سپاریم. کتاب نمایشنامه ساکن مرداب در ۶۰ صفحه و قطع پالتویی انتشار یافته است که هم‌اکنون برای خرید اینترنتی در سایت‌های کتابراه وطاقچه موجود است.

رمان «دهلیزهای بی‌خوابی» منتشر شد



رمان «دهلیزهای بی‌خوابی» نوشته «خسرو کیان‌راد» منتشر شد. به گزارش ایلنا، رمان «دهلیزهای بی‌خوابی»، نوشته «خسرو کیان‌راد» از سوی انتشارات لوح فکر روانه بازار کتاب شد. این رمان فارسی در ۲۵۳ صفحه و با قیمت ۳۵ هزار تومان منتشر شده است. در پشت جلد آن چنین آمده است: «ناگهان همان طور که آن وضعیت حزن‌آلود و حضور کالبد بی‌جان پادشاه خود برایم بسی سنگین بود، یک آن حس کردم همان رایحه‌ی جادویی شامه‌ام را نواخت. نمی‌توانست عطر شب‌بوها و گل‌بوته‌های مرمر شک باشد. همان شمیم بی‌همتا بود که بارها در خیال و واقعیت به سراغم آمده بود. نادر وضعیتی از در آمیختگی سوگ و سرخوشی، با حضور هم‌زمان مرگ و دلدادگی. نمی‌دانم چه لغتی می‌توان برای حس آن لحظه یافت. از یک سو صدای مویه‌های آرام بانوان بر بالای پیکر پادشاه روحم را می‌خراشید و از سویی آن عطر سحرآمیز از خود بی‌خودم می‌کرد. تقابل تدفین و زندگی بود.

همچنان گنج بودم که برای دمی حس کردم حجم این عطرافزون شد. به خود ادم دیدم ندیمه‌ی ایستاده کنارم با یکی از دست‌ناش دستمال سپید کوچکی را مقابلم گرفته با صدایی به آرامی نهنم‌باران می‌خواست تا آن را به شادبخت بدهم. انگار دوست نداشتیم آن راز دستش بگیریم. تا آن رایحه با همان شدت، بسی بیشتر با من باشد. یعنی آن دست‌ها بودند، که عطرشان کار دستم داده بود؟ گر گرفتم، همچون مشعل در دستم.

مشارکت ۴۸۸ ناشر در نمایشگاه مجازی کتاب جیرفت

وی به بارانه اختصاص یافته به نمایشگاه مجازی کتاب استانی جنوب کرمان اشاره کرد و گفت: بارانه نمایشگاه با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۳۰ درصد تا سقف ۲۰۰ هزار تومان است و مردم جنوب کرمان از تخفیف ۱۰ درصد نمایشگاه هم بهره‌مند می‌شوند. دهقانکار با اشاره به همکاری شرکت ملی پست ایران و اینکه هزینه ارسال کتاب برای مردم رایگان خواهد بود، گفت: شرکت ملی پست ایران به صورت مستقیم با مادر ار کشورهایی که حضور در نمایشگاه‌های کتاب آن جزو اولویت‌های مانبد شرکت کند.

۳۱۶ ناشر بیشتر از سال گذشته؛

بایان این مطلب گفت: در خانه کتاب و ادبیات ایران تلاش کردیم در حوزه نشر و صنعت فرهنگ مکتوب بتوانیم از فناوری‌های نوین استفاده کنیم که از جمله مصادیق آن برگزاری نمایشگاه‌های کتاب به صورت مجازی است. ایوب دهقانکار، افزود: مجریان برگزاری، ناشران و مردم، سه ضلع اصلی نمایشگاه‌های مجازی کتاب هستند و ما به عنوان مجری، تلاش کردیم کتاب به سهولت در دسترس مردم قرار بگیرد. از مردم به عنوان ضلع سوم، آسوده خاطر هستیم و می‌دانیم همانند نمایشگاه‌های کتاب فیزیکی از نمایشگاه مجازی نیز استقبال می‌کنند؛ در نمایشگاه کتاب فیزیکی سال گذشته در جنوب کرمان شور و شوق مردم



در نمایشگاه مجازی کتاب جیرفت، شاهد حضور و مشارکت ۴۸۸ ناشر از سراسر کشور هستیم؛ افزایش چندبرابری که شایسته است نگامی جدی به آن شود. به گزارش ایبنا، مدیر عامل خانه کتاب و ادبیات ایران، در آیین افتتاح نمایشگاه مجازی کتاب استانی جنوب کرمان،